

الانحکام

فصلنامه علمی

۱۴۰۳/۹/۲۸

شناسنامه اثر

نشریه دانشجویی انعکاس
صاحب امتیاز : بسیج دانشجویی دانشگاه
فرهنگیان قزوین
مدیر مسئول : علی رضایی
سردبیر : محمد مهدی نورالهی
روابط عمومی : معراج عبدی
طراح و صفحه آرا : محمد مهدی نورالهی
ویراستار : محمد حسین قنبری
هیئت تحریر : آریان اعظمی ، حسین کردیان
محمد مهدی نورالهی

شماره مجوز : ۵۱۹۰۰/۲۴۳۹/د

قیمت : ۲۵۰۰۰ تومان

آنچه در این شماره خواهید خواند :

مصاحبه

«تقویت» یا «تسلیت» به نظام آموزش و پرورش؟

آموزشی

چه کار کنم رتبه بندی بشم؟

معرفی کتاب

سه دقیقه در قیامت؛ مسئولین در غل و زنجیر!

نقد فیلم

یک محبوب من؛ بلا تکلیف، غیرواقعی، قابل حدس





دشمنان ما بیکار ننشسته‌اند: از مطبوعات استفاده میکنند، از تبلیغات استفاده میکنند و از روشهای گوناگون تبلیغی استفاده میکنند تا آن ارزشهایی را که ملت به آنها پایبند است و آنها از آن ارزشها خوششان نمی‌آید، در چشم مردم بشکنند. تلاششان را میکنند. ماهم در عمل نشان دادیم که مطبوعات آزادند؛ این عملکردهایی که از نظر ما بسیار منفی است، وجود دارد؛ اما مطبوعات آزادانه دارند همان کارها را میکنند. این، خود رد عملی کسانی است که معتقدند آزادی بیان نیست؛ خیر، آزادی بیان، نشانه‌اش همین مطبوعاتی است که علیه دولت، علیه نظام و علیه سیاستهای کلی، آزادانه هر چه می‌خواهند می‌نویسند؛ کسی هم متعرض آنها نمی‌شود. البته مردم هم به اینها خیلی اعتنایی نمی‌کنند. این، فضل الهی است.

۱۳۸۵/۰۸/۲۱



سخن سردبیر

به نام آفریدگار قلم

سپاس و ستایش خدای یگانه را که این بار هم یارای نگارش شماره ای دیگر از نشریه دانشجویی انعکاس را به ما ارزانی داشت.

شهادت بهشتی جمله معروفی دارد: «دانشجو مؤذن جامعه است، اگر خواب بماند نماز امت قضا می‌شود». دانشجویان ما اگر حقیقت این جمله را درک کنند بی‌شک دانشگاه را فقط محل کلاس رفتن و مدرک گرفتن نخواهند دانست. از این رو وظیفه خود می‌دانیم از کنار اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌دهد به آسانی عبور نکنیم. چه در مقابل اتفاقات نه چندان عمومی مانند طرح های مختلف مجلس و چه در مقابل اتفاقات آشکار و مُد مانند فیلم های پرسروصدا نباید بی تفاوت باشیم.

در همین راستا در نشریه این ماه به طرح جدید مجلس با عنوان تقویت نظام آموزش و پرورش، نقد فیلم کیک محبوب من، چگونگی رتبه بندی و معرفی کتاب پرداخته ایم.

امید است با عنایت پروردگار این شماره از انعکاس برای مخاطبان مفید و مورد پسند واقع گردد. با افتخار «فصلنامه پاییز انعکاس» تقدیم نگاهتان!

محمد مهدی نورالهی

«تقویت» یا «تسلیت» به نظام آموزش و پرورش؟

مصاحبه با موضوع نقد و بررسی طرح جدید مجلس شورای اسلامی
با عنوان «تقویت نظام آموزش و پرورش»

دکتر مهدی

رئیس دانشگاه فرهنگیان قزوین



دکتر صفی خانی

مدرس سند تحول بنیادین



بسم الله الرحمن الرحيم؛ عرض سلام و خداقوت خدمت کلیه دوستانی که پیگیر این مباحث هستند. در ابتدا باید بگم بعضی از نقص های مهم و بزرگ آموزش و پرورش در این طرح دیده نشدن. یکی از اون نقص ها بحث نظام تربیت معلم هست. خب شما مستحضر هستید، هر اتفاقی بخواد توی فضای آموزش و پرورش بیوفته قاندا شروعش با معلمان ما هست که در این طرح اشاره چندانی به تقویت دانشگاه فرهنگیان و تغییر شرایط جذب در دانشگاه فرهنگیان یا توسعه دانشگاه فرهنگیان نشده. ما سال گذشته حدود ۱۰۰هزار معلم جذب کردیم؛ بر اساس سند تحول همه ۱۰۰ هزارتا باید از کانال دانشگاه فرهنگیان عبور بکنن، ولی واقعیت این هست که از این ۱۰۰ هزارتا، ۲۵ هزارتا فارغ التحصیلان دانشگاه فرهنگیان بودن و ۷۵ هزارتا از کانال های دیگه جذب شدن. این خودش یه نقص بزرگ هست که متاسفانه در این طرح اشاره بهش نشده.

نکته دوم هم این که تقریباً چیزی حدود ۱۰ درصد دانش آموزان ما دارن در مدارس غیر انتفاعی درس میخوانن و اتفاقاً من معتقدم اتفاق خوبی هم اونجا داره میوفته، یعنی خانواده هایی اومدن اعلام کردن ما حاضرم هزینه آموزش فرزندانمون رو خودمون پرداخت بکنیم. ولی متاسفانه نظامی برای تربیت معلم مدارس غیرانتفاعی پیش بینی نشده. الان معلمانی که در مدارس غیرانتفاعی هستن از کجا میان؟ در حالی که هیچ سیستم آموزشی هم ندارن. به نظر میرسه باید یه سیستمی برای رتبه بندی این مدارس و معلمان این مدارس که بالاخره باری از آموزش رو دارن به دوش میکشن. شاید جزو مظلومترین ها باشن این معلمان چون در سال اینها تقریباً هشت ماه حقوق میگیرن و چهار ماه اصلاً حقوق نمیگیرن. این نقیصه هست که در این طرح هم متاسفانه اشاره بهش نشده.

اما از نکات مثبت این طرح اگر بخوایم صحبت بکنیم یکیش توجه به تفویض اختیار به استانهاست. ما درحال حاضر سیستم آموزشمون متمرکز اداره میشه. یعنی یک نفر در تهران تصمیم بگیرد برای ۱۷ میلیون دانش آموز و یک میلیون معلم در کشور بدون توجه به اقتضائات محیطی. ما میدونیم فضای گرمایشی و سرمایشی بعضی از استان ها مون متفاوت هست. نمیتونیم استان خوزستان رو مثلاً با اردبیل یکی بگیریم و بگیم دوتا یه روز شروع بکنن و یه روز تموم بکنن. منطقیش این هست که این رو تفویض اختیار بکنیم به استان ها. یه بحث دیگه ای که باز نکته مهمیست و در این طرح هم پیش بینی شده بحث توجه به معلمان روستا هست. در حال حاضر مظلومترین دانش آموزان، دانش آموزان روستا ها هستن. هرچی هم دورتر باشن مظلومتر. اما تازه کارترین معلم ها جذب مناطق روستایی میشن و معلم های با سابقه جذب بهترین مدارس در فضای شهری. چرا باید این توضیح عدالت خوب صورت نپذیره؟ حق بچه ها در فضای روستایی واقعاً ضایع میشه و این طرح انشاءالله با اجرایی شدنش بتونه این موضوع رو حل کنه.

نکته بعد که باز اون هم اهمیت داره این که ببینید اگر ما میخوایم طبق سند تحول، مدرسه محور تربیتی یک محله بشه همون جور که مسجد این نقش رو داره، خب شرطش این هست که مدیر، معاون و سایر افراد هم توانایی بالا داشته باشن هم تجربه کافی. یکی از نقص هایی که در حال حاضر به شدت چشمگیر هست اینه که ما در فضای دانشگاه فرهنگیان رشته ای برای تربیت معلمان پیش دبستانی نداریم درحالی که این دوره در شکلگیری شخصیت کودک بسیار مهمه. همچنین ضرورت داره در دانشگاه فرهنگیان مدیر یا معاون تربیت بکنیم برای مدارس و حتی شغل های اداری؛ ما در آموزش و پرورش کلی پست اداری داریم که اون هم در

دانشگاه فرهنگیان رشته ای برایش نداریم. میشه حتی یه کار دیگه ای کرد؛ آموزش و پرورش پستهای اداریش رو از آزمون های استخدامی جذب کنه که متخصص اون رشته بیاد در اون پست بشینه.

و نکته آخر که میخوام در موردش صحبت بکنم اینه که به نظر میرسه آموزش و پرورش با یک میلیون معلم، ۱۷ میلیون دانش آموز و بیشترین فضای دولتی در بین همه دستگاه ها و ظرفیت و پتانسیل اقتصادی بسیار بالایی داره که مغفول مونده و هر از چندگاهی مورد سوءاستفاده قرار میگیره توسط برخی از نهادها. این پیشنهاد خوبییه که یک معاون اقتصادی در وزارتخانه تشکیل بشه و وزیر و معاونین شون فکرونش از درگیری های اقتصادی آزاد بشه و به امر تعلیم و تربیت متمرکز بشن.

بسم الله الرحمن الرحيم؛ عرض سلام و خسته نباشید دارم خدمت دوستان عزیز دانشجو معلم مون. خدمت شما عرض کنم طرح های متعددی بعد از انقلاب اسلامی راجع به آموزش و پرورش نوشته شده که آخرین سند تحول بوده؛ این هم فکر میکنم تتمه و توضیحات اون سند تحول. این طرح به شرطی میتونه مفید فایده باشه که ما ببینیم اصلاً قابلیت اجرایی داره یا نه؛ و نگاه میکنیم به نظام بودجه ریزی کشور، ببینیم اهمیت بحث برای مجموعه وزارت آموزش و پرورش و نیروهای که در اونجا فعال هستند چقدره، خود وزیر نگاهش برای اجرایی کردن اون طرح چیه؟

مورد دوم در بحث مقایسه و ارتباطش با سند تحول؛ تا جایی که من مطالعه کردم این طرح رو فکر میکنم بیشتر توضیحات سند تحول. در سند تحول یک اشاراتی به بحث تقویت آموزش و پرورش شده بود که اینجا اونها رو بسط داده و انشاءالله بتونه قابلیت اجرایی داشته باشه.

اما یک نکته راجع به بحث ساعتی که گفته بود. چیزی که آموزش و پرورش مشخص کرده برای تدریس نزدیک هزار ساعته اما خیلی خوشبینانه بخوایم بگیم ۵۰ تا ۶۰ درصد این ساعات داره محقق میشه؛ این دلایلی داره که معلم، دانش آموز و فضای آموزش رو شامل میشه. و یکی از اشکالاتی که به این طرح وارده همینه که به فضای آموزش و پرورش توجهی نکرده؛ چرا دانش آموزان، معلمان و حتی کادر مدرسه از مدرسه فراریان؟ انگار که داخل یه قفسی هستن و تا زنگ میخورن از این قفس آزاد میشن؛ به نظر من این برمیگرده به همین مسئله فضا؛ یعنی ما فضای فیزیکی مناسب برای تحقق آموزش هزار ساعت رو نداریم. پس این فضای فیزیکی باید تقویت بشه.

نکته بعدی بحث بازسازی معیشت معلم هاست. من چون با مهارت آموزان کلاس دارم گاهی میپرسم میگن که حقوق دریافتی ما حدود هفت میلیون و چهارصده! خب این معلم ما با این میزان حقوق میخواد توی مدارس معجزه بکنه؟ معلمی که بانگیزه وارد این شغل شده اینارو که میبینن انگیزه اش کم میشه. یعنی علناً اون ۵۰ درصدی هم که گفتیم دیگه کامل شکل نمیگیره! توی این طرح خیلی پرداخته نشده بود به این مسئله به جز یه سری اشارات که اونها هم عموماً قابل اجرا نیستن. یه نکته دیگه هم بحث بومی سازی آموزش و پرورش بود. یعنی بودجه ها رو به خود استان ها بدیم، خود استان ها مدیریت کنن. خب خیلی سال هست این بحث مطرحه ولی اجراش نکردن. من فکر میکنم که توی وزارتخانه ها آدمهایی هستن که مانع اجرای این کارن. حالا انشاءالله که اینجوری نیست اما برداشت من اینه. چون اگر این طرح رو ما به درستی اجرا بکنیم به هر اداره با توجه به بودجه ای که دولت بر اساس سرانه دانش آموزی هر استان تعیین میکنه پول بدیم، خود اون استان میتونه اون بودجه رو مدیریت کنه و شاید حتی بر اساس شرایط بعضی معلمان در استانها حقوق بیشتری بگیرن.

حالا من یک حرف خیلی شجاعانه ای رو میخوام بگم؛ ما مدارس غیرانتفاعی رو باید حذف کنیم و مردم رو آگاه بکنیم اون هزینه ای که به مدارس غیرانتفاعی پرداخت میکنن بیاد توی خود مدارس دولتی. به این شکل میشه حقوق معلمان رو تا حد زیادی افزایش داد و در اون حالت انتظار تدریس مفید ۱۰۰۰ ساعت رو از معلم داشته باشیم.



مهندس رحمانی

مسئول نظارت و ارزیابی دانشگاه



بسم الله الرحمن الرحيم، این طرح کلیاتش باعث تغییرات قابل توجهی در مدیریت مدارس و فضای آموزشیمون خواهد شد؛ اما نکاتی در اون قابل توجهه. در ابتدا، اینکه یه معاونت اقتصادی بخواد اضافه بشه برای بحث درآمد و این مسائل و در دل آموزش و پرورش بخواد ورود بکنه، این از مأموریت وزارت آموزش و پرورش دوره و این باید به عهده وزارتخانه هایی که بحث اقتصادی رو دراند دنبال می کنن بیوفته و به کمک آموزش پرورش بیاد که آنها بحث درآمد زایی و جذب منابع رو بتونن خارج از آموزش و پرورش مدیریت کنن و در اختیار آموزش پرورش بذارن یا حتی ظرفیت هایی که در داخل آموزش و پرورش وجود داره رو هم ورود بکنن و از این منابع به نفع آموزش پرورش فقط استفاده بکنن. حالا اگر هم بخوایم این موضوع رو بپذیریم و بگیم مدارس خودشون درآمدزایی داشته باشن، نباید به شکلی باشه که در این طرح گفته شده. یعنی ۱۰۰ درصد درآمد مدرسه به جیب خود مدرسه نره و مثلاً ۲۰ درصدش بره توی اداره و اونجا بین مدارس مختلف و به خصوص مدارس محروم که امکان درآمدزایی ندارن تقسیم بشه تا یه مقدار عدالت از این لحاظ رعایت بشه.

این که در این طرح به مسائل مشارکت اولیا و مربیان توجه میشه و بیشتر مورد مشارکت قرار میده خب قابل توجهه اما اولیا و مربیان برای بحث های مالی در مدارس وقتی بخوان مشارکت بکنن حتماً این مدیریت مالیه مجزا هم تو مدارس نیاز هست که وجود داشته باشه. کارپرداز میخواد، حسابدار میخواد. این نکات در مدارس اگر بخواد باب بشه خب اون مأموریت و وظیفه مجموعه کادر اداری مدارس رو تحت الشعاع قرار خواهد داد. مباحث مالی همیشه موجبات اشکال در فرایند آموزش رو به وجود آورده. ما در مدارس غیرانتفاعی هم حتماً مشاهده میکنیم، وقتی بحث درآمد مطرح میشه بحث آموزش به حاشیه میره. به نظر میاد که این باید از فضای مدرسه جدا باشه و در حوزه آموزش و پرورش اصلاً اتفاق نیفته. مثلاً شهرداری ها متولی حمایت از آموزش و پرورش مدارسشون باشن. در خصوص ماده یک که امتیاز طبقه مشاغل آموزشی رو برای کسانی که در مناطق روستایی و عشایری خدمت می کنن رو با یک ضریب بالاتری محاسبه بکنه خوبه و بنده موافقم. اما موضوع اینه که با این ضریب ۱/۳ مشخص نیست که چه رقمی به دریافتی همکاری که در مناطق روستایی یا در مدارس استثنایی و سختی کار بالا هست اضافه میشه. آیا جذابیتش به اندازه ای هست که از مدارس خاص شهری فاصله بگیرن و خدماتشون رو ببرن به مناطق محروم. به جای این ضریب ۱/۳ شاید بهتره یک و نیم برابر نسبت به رقم دریافتی سایر معلمان تغییر کنه.

درمورد دانشگاه فرهنگیان و تربیت معلم هم اشاره ای کرده اما نکاتی که گفته در سند تحول دیده شده بلکه مفصل تر و چیز جدیدی به نظر نمیاد. در ضمن مسئله ای که مغفول مونده اینه که امکانات مالی، فضا و تجهیزات و استادان هیئت علمی در دانشگاه فرهنگیان باید مورد بازنگری و حمایت قرار بگیره. اما در خصوص ماده ۳ که مربوط میشه به رتبه بندی مدارس برای توزیع عادلانه بودجه بین اونا. به نظر بنده شاخص هایی که برای رتبه بندی مدارس در این طرح اومده باید اصلاح بشن. این شاخص ها باید بر اساس پایش عملکرد آموزشی عوامل مدرسه باشه. مثلاً یه مدرسه ای هست فضای آموزشی کافی نداره نیروی انسانی کافی نداره ولی آموزش معلمان کیفیتش بالاست، پرورشی کیفیتش بالاست، مدیریت مجموعه کیفیتش بالاست، نظافت خوبه و دارن کاری که از دستشون برمیاد انجام میدن؛ ولی خب محدودیت های فضا و محدودیت تجهیزات اجازه نداده بعضی از خروجی ها رو بتونن بگیرن. اینجا باید به این مدرسه رتبه بالا داد تا بشه به اون بودجه بیشتری داد که بتونه رشد بکنه. بگیم شما باینکه فضا و امکانات و تجهیزات نداشتید کیفیت کارتون خوب بوده، بیا یه جایزه بگیر که بتونید توسعه پیدا کنید. ولی اونو که فضای خوبی داره امکانات خوب و تجهیزات خوب داره ولی عملکرد آموزشیش کیفیت بالایی نداره خب این قاندا تا دریافت جایزه براش عادلانه نیست.



چه کار کنم رتبه بندی بشم؟

چگونگی کسب امتیاز برای رتبه بندی معلمان

چند نکته

۱- دقت داشته باشید که در زمان اعلام شده نسبت به بارگذاری مدارک در سامانه RTB.MEDU.IR اقدام نمایید.

(مدرک تحصیلی، سنوات خدمتی، گواهی ضمن خدمت و ارزشیابی عملکرد نیازی به بارگذاری ندارد و توسط امور اداری ثبت می شود)

۲- مهمترین و اثرگذارترین شخص برای رتبه بندی شما مدیر آموزشگاه است. اکثریت قریب به اتفاق شایستگی های شما نیاز به تایید مدیر دارد. البته پس از او ارزیاب هم مدارک شما را بررسی خواهد کرد.

۳- از سال دوم بعد از فارغ التحصیلی رتبه بندی شما می تواند اعمال شود. در صورت کسب بالاترین امتیازات ممکن یک نومعلم می تواند نهایتاً تا سطح ۳ (استادیار معلم) را کسب کند.

(در صورت عدم کسب حداقل امتیاز سطح یک، رتبه بندی برای شخص اعمال نمی شود.)

سوال: هر رتبه چقدر در حقوق دریافتی ما اثر دارد؟
پاسخ: طبق جدول زیر محاسبه خواهد شد:

ردیف	عنوان رتبه	افزایش در هر رتبه	مجموع افزایش
۱	آموزشیار معلم	۱۰ درصد	-
۲	مربی معلم	۱۵ درصد	۲۵ درصد
۳	استادیار معلم	۱۲ درصد	۳۷ درصد
۴	دانشیار معلم	۱۰ درصد	۴۷ درصد
۵	استاد معلم	۵ درصد	۵۲ درصد

شایستگی های تخصصی

- ۱- تسلط بر دانش تخصصی موضوعی (۴۰ امتیاز)
- ۲- تسلط بر دانش یاددهی - یادگیری (۳۰ امتیاز)
- ۳- تسلط بر دانش تربیتی (۳۰ امتیاز)
- ۴- تسلط بر اسناد بالادستی (۲۰ امتیاز)
- ۵- مدرک تحصیلی: دیپلم ۱۰ امتیاز، کاردانی ۳۰ امتیاز، کارشناسی ۴۰ امتیاز، ارشد ۶۰ امتیاز، دکتری ۸۰ امتیاز (مدرک دانشگاه فرهنگیان ۲۰ امتیاز اضافه هم دارد)
- ۶- طراحی و تولید نرم افزارهای آموزشی، تربیتی و اداری (۱۰ امتیاز)
- ۷- ساخت ابزارها و تجهیزات آموزشی، تربیتی و اداری (۱۰ امتیاز)
- ۸- ساخت وسایل کمک آموزشی، تربیتی و کمک توانبخشی (۱۰ امتیاز)
- ۹- تولید محتوا در فضای مجازی، طراحی، تولید و تدوین بسته های یادگیری و درسنامه (۵ امتیاز)
- ۱۰- آشنایی با ابزارها، تجهیزات و تکنیک های نوین (۵ امتیاز)
- ۱۱- پژوهش های مرتبط با بهبود عملکرد (اقدام پژوهی، درس پژوهی و روایت پژوهی) (هر مورد ۶ امتیاز)
- ۱۲- تالیف و تدوین مقاله (هرمورد ۵ امتیاز)
- ۱۳- تالیف و تدوین کتب (هرمورد ۵ امتیاز)

شایستگی تجربه

- ۱- سنوات خدمتی (هرسال ۲ امتیاز)
- ۲- سابقه تدریس به همکاران (سابقه تدریس و گواهی مهارتی) (۳۰ امتیاز، ۱۳ مورد)
- ۳- دریافت تقدیر نامه مرتبط با آموزش و پرورش (۲۰ امتیاز)
- ۴- گواهیهای دوره ضمن خدمت: عمومی (۱۰۰ ساعت) تخصصی (۲۰۰ ساعت). (هر ۵ ساعت ۱ امتیاز)
- ۵- ارزشیابی عملکرد سالانه آموزش و اداری (ارزشیابی بالای ۸۵ امتیاز دوسال آخر). (۳۰ امتیاز)

از سال ۱۴۰۰ قانون نظام رتبه بندی معلمان به تصویب نهایی رسید و به اجرا درآمد. طبق آن معلمان به پنج سطح یا رتبه تقسیم می شوند که برای بدست آوردن هر رتبه امتیازات مشخصی لازم است. انواع امتیازات نیز به چهارملاک شایستگی تقسیم می شوند که توسط مدیر آموزشگاه، مسئول ارزیابی و اداره تایید می شود:

شایستگی های عمومی

- ۱- ارتباط و تعامل مؤثر (۶۰ امتیاز)
- ۲- مهارت تفکر و حل مسئله (۶۰ امتیاز)
- ۳- خلاقیت و تحول خواهی (۶۰ امتیاز)
- ۴- باور به ارزشهای اسلامی، ملی، انقلابی و جهادی (۷۰ امتیاز)
- ۵- قانون گرایی و قانون مداری (۲۵ امتیاز)
- ۶- رعایت اخلاق اسلامی (۲۵ امتیاز)

شایستگی های حرفه ای

- ۱- کاربرست مهارتهای یاددهی- یادگیری (۶۰ امتیاز)
- ۲- مهارتهای تربیت در ساحت های شش گانه (۶۰ امتیاز)
- ۳- عضویت در کارگروه ها، کمیته های مصوب، پایگاه های بسیج، گروه های آموزشی، هیأت ها و انجمن های علمی، آموزشی، ورزشی، فرهنگی و هنری معلمان، انجمن ها و موسسات خیریه و اردوهای جهادی، فعالیت های شوراهای و نهادهای مرتبط با آموزش و پرورش (هر مورد ۶ امتیاز)
- ۴- ستاد تربیتی مدرسه، انجمن اولیا و مربیان، مشارکت در اجرای فعالیتهای فوق برنامه، آموزشی، فرهنگی، ورزشی، پرورشی و تربیتی (هرمورد ۳ امتیاز)
- ۵- کسب مقام در مسابقات، رویدادها و جشنواره های تابع وزارت و معتبر ملی (هرمورد ۳ امتیاز)
- ۶- یادگیری مستمر (۳۰ امتیاز)

حداقل امتیاز ضروری برای احراز رتبه ها بر اساس شایستگی ها

عنوان رتبه	شایستگی های عمومی (۳۰۰)	شایستگی های حرفه ای (۲۴۰ امتیاز)	شایستگی های تخصصی (۲۶۰)	تجربه (۲۰۰)	امتیاز احراز رتبه (۱۰۰۰)
آموزشیار معلم	۱۵۰	۱۲۰	۱۴۰	۵۰	۴۶۰
مربی معلم	۱۸۰	۱۳۰	۱۵۰	۷۰	۵۳۰
استادیار معلم	۲۰۰	۱۶۰	۱۶۰	۸۰	۶۰۰
دانشیار معلم	۲۳۰	۱۹۰	۲۰۰	۱۳۰	۷۵۰
استاد معلم	۲۶۰	۲۲۰	۲۶۰	۱۷۰	۹۰۰

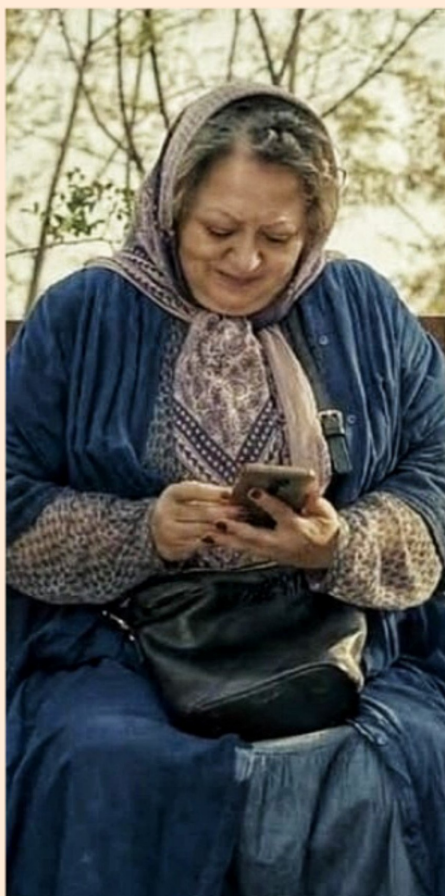
نقد فیلم

بلاتکلیف، غیر واقعی، قابل پیش بینی!

نام فیلم: کیک محبوب من
کارگردانان: مریم مقدم، بهتاش صناعی ها

مثال مهین که سالهاست مردی را به خانه اش راه نداده مگر تعمیرکار و ... - حالا فقط با یک دیدار آن هم از دور عاشق مردی می شود و اینقدر زود او را به خانه اش دعوت می کند منطقی نیست. برای مخاطب سوال می شود که چنین زنی چطور به کسی که تا به حال ندیده تا این حد اعتماد می کند. در مقابل اعتماد فرامرز به مهین هم قابل باور نیست؛ چگونه ممکن است بی هیچ درنگی دعوت کسی را قبول کند که هیچ شناختی از او ندارد! پایان داستان هم بسیار قابل پیش بینی بود و این خود یک ایراد است. داستان و صحنه ها طوری پیش می رود که اکثر مخاطبان می توانند حدس بزنند فرامرز قرار است بمیرد. داستانی که قابل حدس باشد دیگر آن جذابیت قبل برایش نمی ماند. در خصوص بازیگران هم باید گفت با توجه به ماهیت جنجال برانگیز فیلم طبیعتاً کمتر کسی حاضر به پذیرفتن نقش در آن می شود. به همین دلیل بازیگر برجسته ای در فیلم نداریم و بازی درخشانی هم از آنها نمی بینیم. در پایان باید گفت «کیک محبوب من» با وجود عیب و ایراد های زیادش آنقدرها هم که سر و صدا کرده و جایزه گرفته نمی تواند محبوب باشد.

محمد مهدی نورالهی



چند وقتیست سکانس هایی از فیلم کیک محبوب من در فضای مجازی دست به دست می شود و توجه ها را به خود جلب کرده است؛ به خصوص با جوایزی که در جشنواره های بین المللی دریافت کرده که آن را برجسته تر ساخته. اما تابوشکنی های بحث برانگیزش این روزها سر زبان ها افتاده و حتی جنجالی شده. باهم به بررسی این فیلم می پردازیم. در ابتدا شاهد زندگی یک زن مسن تنها به نام مهین هستیم که مدت هاست شوهر خود را از دست داده و گاهی با جمع کردن دوستان قدیمی اش سعی دارد تنهایی اش را فراموش کند؛ اما جای یک چیز در زندگی او خالیست و آن هم عشق است. تا اینکه یک روز در رستوران، چند مرد مسن را می بیند و توجهش به یکی از آنها که نامش فرامرز است جلب می شود و از او خوشش می آید. سپس تلاش می کند با او ارتباط بگیرد و ادامه داستان

آنچه بیشتر این فیلم را جنجالی کرده چند سکانس آن است که در سینمای بعد از انقلاب سابقه ندارد. برای مثال نشان دادن موهای زن، لمس کردن هم توسط دو بازیگر، خوردن شراب، رقصیدن زن و مرد باهم و ...؛ البته چیزی که قرار است بررسی کنیم این سکانسها نیست گرچه خود جای بحث جداگانه دارد. در این مقال بیشتر نقد کیفی مدنظر ماست. این فیلم با اینکه در قالب سینمایی ساخته شده اما داستان آن بیشتر شبیه یک فیلم کوتاه است. ریزداستان ها و شخصیت پردازی های زیادی ندارد و تمام داستان حول دو شخصیت اصلی می چرخد.

کیک محبوب من فیلمی اجتماعی یا سیاسی نیست و داستان یک زن تنها و عاشق شدنش را روایت می کند. اما اشارات و کنایات سیاسی و اجتماعی کم ندارد. برای مثال کنایه به گشت ارشاد و قانون حجاب و اشاره به آزادی پوشش و رقص و ... قبل از انقلاب. فارغ از هر دیدگاه و قضاوتی این نکته مهم است که کارگردان باید تکلیف خودش را بداند؛ اگر فیلم قرار است اجتماعی باشد بایستی به طور کامل به آن پرداخته شود. در غیر این صورت این اشارات کوتاه که به خط داستانی فیلم هم ارتباطی ندارد نمی تواند به چنین فیلمی کمک کند؛ انگار که در وسط فیلمی پیام بازگانی بی ربط پخش کرده باشیم و دوباره به فیلم برگردیم!

نکته دیگر اینکه اصل باور پذیری در هر فیلم و داستانی مهم است. یعنی داستان حتی اگر تخیلی هم باشد باید طوری باشد که مخاطب بتواند آن را باور کند و پشت داستان آن منطقی وجود داشته باشد. مگر اینکه داستان طنز باشد و نویسنده به عمد و برای ایجاد طنز امورات غیرواقعی را دخیل کند. اما داستان «کیک محبوب من» آنطور که باید قابل باور نبوده و غیرواقعی است. برای

معرفی کتاب

مسئولین در غل و زنجیر!

به جوان پشت میز اشاره کردم و گفتم: چکار می توانم بکنم که توفیق شهادت داشته باشم؟!

اشاره ای کرد و گفت: در زمان غیبت امام عصر علیه السلام رهبری شیعه با ولی فقیه است. همان لحظه تصویری از آیت الله خامنه ای را دیدم. عجب اینکه افراد بسیاری که آن ها را می شناختم در اطراف رهبر بودند و تلاش می کردند تا به ایشان صدمه بزنند اما نمی توانستند! خیلی ها را دیدم که به شدت گرفتار هستند. حق الناس میلیون ها انسان به گردن داشتند و از همه کمک می خواستند اما هیچ کس به آن ها توجه نمی کرد. مسئولینی که روزگاری برای خودشان، کسی بودند و با خدم و حشم فراوان مشغول گذران زندگی بودند، حالا غرق در گرفتاری بودند و به همه التماس می کردند اما کار از کار گذشته بود...

این فقط پاره ای از کتاب جذاب «سه دقیقه در قیامت» است. این کتاب توسط گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی تالیف شده است؛ این گروه فرهنگی کتب فراوانی در حوزه های مختلف رابه چاپ رسانده است. کتاب به بیان تجربیات واقعی و عینی یک شهروند اصفهانی از مرگ سه دقیقه ای خود پرداخته است و بسیاری از آثار اعمال روزمره و عادی و ریز و درشت زندگی را برای ما شرح داده است.

آریان اعظمی

